

حضرت ولی محبوب امرالله می فرمایند:

حیات بهائی ص ۳۲

"جهان از حرف خسته شده و تشنه عمل است وجوانان بهائی باید جوابگوی این انتظار باشند."

### عنوان: جوانان، خادمان با کفایت عالم انسانی

#### قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- مناجات دوم
- ۳- لوح مبارک حضرت بهاء الله
- ۴- - مجموعه نصوص مبارکه حضرت بهاء الله
- ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

#### قسمت اداری

- ۷- بیانات حضرت عبدالبهاء به گروهی از مبلغین جوان
- ۸- مجموعه توقیعات حضرت ولی محبوب امرالله
- ۹- پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۹ بهمن ۱۳۹۲ خطاب به جوانان مهد امرالله
- ۱۰- قسمتی از پیام رضوان ۱۹۸۲
- ۱۱- حکایت
- ۱۲- شور و مشورت
- ۱۳- برنامه نونهالان و نوجوانان

#### قسمت اجتماعی

- ۱۴- الفت و پذیرائی
- ۱۵- مناجات خاتمه

با عنایت به نزدیک شدن به یوم مبارک ۱۶ دی و جشن جوانان بهائی در این برنامه سعی گردیده است که با زیارت آثار مبارکه و تعمق و تفکر بر مضامین آن، به اهمیت سنین جوانی و نقش مهم جوانان در احیای عالم انسانی پردازیم. یقیناً مساعدت شما عزیزان رسیدن به این هدف را میسر می سازد

پیشنهاد می گردد در صورت امکان و صلاحدید برنامه توسط جوانان اجرا گردد و نظامت را نیز خود بر عهده داشته باشند

در ضمن فرصت مناسبی است که برنامه ریزی لازم برای برگزاری جشن جوانان با بهره مندی از امکانات محلی صورت پذیرد

در قسمت شور و مشورت پیشنهاد می گردد که با عنایت به مضامین برنامه علی الخصوص دو بخش از پیامهای بیت العدل اعظم الهی بر نقش مهم جوانان در پیشبرد امر الهی متمرکز گردیم

موفق باشید

## ۱- مناجات شروع

ای جوان رحمانی توجّه به ملکوت الهی کن و استغاثه نما و مناجات کن که:

هوالله

ای پروردگار مهربان، این مستمند را ارجمند فرما و این ذلیل را در ملکوت جلیل، عزیز کن و این محتاج را سراج و هَاج فرما و این فقیر را مُعین و مُجیر گرد. قطره‌ای را امواج دریا بخش و ذره‌ای را اشراق انوار ده. حَجَر یابسه را طراوت و لطافت بی‌منتهی عطا فرما و سنگ سیاه را، لَعل بَدَخشان کن. خاک پژمرده را سبز و خرم فرما و قلب افسرده را روح تازه بدم. تا با نهایت عجز، قدرت آسمانی یابد و در غایت فقر، ثروت ابدی جوید. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده و تابان.

ع ع

## هو الله

ایزد مهربانا، جوانی، در جهان زندگانی، شادمانی و کامرانی در این جهان و جهان جاودانی خواهد. امید چنان است که نومید نفرمائی  
بنوازی و بسازی

ع ع

یاران پارسی ص ۴۳۲

## ۳- لوح مبارک حضرت بهاء الله

## هو العليم الخبير

ای جوان ، انشاء الله به عنایت رحمن به فیوضات نامتناهیة الهیة فائز شوی. چون در اوّل جوانی به عرفان مشرق وحی مزین شدی از حقّ بخواه تا موفق شوی به امری که در دفتر عالم باقی و پاینده بماند. هر امری را فنا اخذ نماید مگر امری که لله گفته شود و عملی که لله ظاهر گردد. او را فنا اخذ ننماید. جهد کن تا از رحيق باقی بیاشامی و به کوشش استقامت فائز گردی. نَسْئَلُ اللّٰهَ اَنْ يُوفِّقَكَ عَلٰی ذِكْرِهِ وَ ثَنَائِهِ وَ خِدْمَتِهِ وَ يُؤَيِّدَكَ عَلٰی مَا بَاقِيَ بِهٖ ذِكْرَكَ فِی كِتَابِهِ الْمُبِينِ. قدر این ایام را بدان و این کلمات عالیات را که از منظر اکبر ارسال شده، چون بصر حفظش نما .

آیات الهی ج ۲ ص ۳۴۹

## ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای نورسیدگان نورانی، شب و روز جهد نمائید تا به حقایق و معانی پی برید و اسرار یوم ظهور را ادراک کنید و حُجَج و براهین اشراق اسم اعظم را اطلاع یابید. زبان بگشائید، و اداء ادله و بُرهان، اقامه نمائید. تشنگان را به معین ماء حیوان برسانید و مریضان را شفای حقیقی بدهید. شاگردان حق گردید و طبیبان الهی شوید و مریضان انسان را معالجه نمائید و محرومان را محرم اسرار کنید. مایوسان را امیدوار نمائید. خفتگان را بیدار کنید. غافلان هوشیار نمائید. اینست ثمره وجود اینست مقام محمود

پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۰۲

جهد نما تا از تو ظاهر شود آنچه که سبب ارتفاع امر است .

به نام دوست یکتا، عالم از جذب کلمه مالک قدم در حرکت و لکن عباد از آن غافل، الا مَنْ شاء الله . حمد کن مقصود عالمیان را که تو را مؤید فرمود بر عرفان افقی که کلّ از او محبوب و غافل . در ریعان شباب و اول جوانی هر نفسی به محبت الهی فائز شد، او از اهل فردوس اعلیٰ مذکور. جهد نما تا از تو ظاهر شود آنچه که سبب ارتفاع امر است."

آیات الهی ج ۲ ص ۳۳۲

جهد نما که در جوانی به اخلاق رحمانی و انوار ابهائی، فائز و منیر شوی

"جهد نما که در جوانی به اخلاق رحمانی و انوار ابهائی، فائز و منیر شوی. این ایّامی است که شبه آن مشاهده نشده. زهی حسرت از برای نفوسی که در چنین ایّام به حبلِ اوهام متمسک شدند و از مالکِ آنام محروم مانده‌اند . حیات جان به ماء ذکر رحمن بوده و اگر قلب انسانی از این ماء لطیف روحانی، زنده شود، باقی و پاینده خواهد بود . مصباح دل، حُبّ الله بوده ، او را به دهنِ ذکر، برافروز تا به اعانت دهنِ ذکرته، مصباحِ حُبیه، به کمالِ نور و ضیاء، ظاهر شود و از آن نور باطن، عالمِ ظاهر، منور گردد. اینست نصیحت حقّ که از قلم امر جاری شد."

آیات الهی ج ۱ ص ۲۶۱

۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

امید چنانست که آن یار مهربان در مراتب کمالات انسانی و خصائل و فضائل روحانی، ترقّیات کافی وافی نمایند. مانند شمع، روشن شوی و به مثابه ستاره درخشنده، از افق ایمان و ایقان، تابنده و درخشان گردی. تا نفوسیکه همدمند، همراز شوند و هم آهنگ و هم آواز گردند. سبب هدایت کلّ شوی و جمیع را به جهان الهی بخوانی و در عالم ملکوت در آری. چنان هدایت کنی و دلالت نمائی که هر یکی انجمن عالم را سراج منیر گردند و شبستان حقیقت را، نور هدایت شوند. به اطوار و رفتار و گفتار، سبب عزّت عالم انسانی گردند و به اخلاق و کردار، فرشته آسمانی شوند. اینست عزّت ابدیه. اینست زینت حقیقت انسانیّه. اینست سزاوار جوانان این قرن مبارک و اینست شایان نورسیدگان این عصر مقدّس.

منتخبات مکاتیب ج ۲ ص ۲۶۰

## ۷-بیانات حضرت عبدالبهاء به گروهی از مبلغین جوان

برای جمعی از جوانان احباء که دائم در فکر تبلیغ امرالله و نشر نجات الله بودند می فرمودند: "شکر کنید خدا را که فیض الهی به شما رسید و شمس حقیقت بر شما تابیده و آب حیوان و حیات آسمانی به جهت شما مهیا گردیده. انسان چون از چشمه شیرینی بنوشد، باید در نوشانیدن به سائرین بکوشد. حضرات از من خواسته اند که در تبلیغ امرالله صحبت کنم، مفصل ذکر کرده ام، باز هم می گویم که اول باید وجود انسان خود منقطع و منجذب باشد تا نفسش در دیگران تأثیر نماید. هر کس در این میدان قدم گذاشت، موفق شد. هم خود هدایت گردید، هم سبب هدایت دیگران شد. البته وقتی انسان نغمه خوشی می خواند، اول خود مُتَلَذَّذ و مَحْظُوظ می شود. لهذا چون بنای هدایت ناس نهد و بیان دلائل کند، مذاقش، شیرین تر و قلبش، مسرورتر شود. و دیگر آنکه هر چیزی محدود است مگر فیض الهی که به سبب تبلیغ امرالله بر انسان نازل می شود.

بدایع الآثار ج ۱ ص ۳۲۸

## ۸-مجموعه توقیعات حضرت ولی محبوب امرالله

مساعدت به تجدید بنای عالم ووظیفه بزرگ جوانان

امید چنان است که این افراد جوان خود را برای وظیفه بزرگی که در مستقبل ایام با آن مواجه خواهند گردید مستعد و آماده نمایند و آن، مساعدت به تجدید بنای عالم با الهام و تأیید از تعلیمات و اوامر مقدسه بهائی است.

پیام آسمانی ۱۹۸۸

جوانان می بایست داروی شافی الهی را به عالم انسانی اهداء نمایند

دنیا دچار اوضاعی مهیب و مُدهش است اگر یاران بناست به وظیفه ای عامل گردند و داروی شافی الهی را به عالم انسانی اهداء نمایند، باید برای انجام وظائف عظیمی که در پیش دارند، آماده شوند. این نکته به نحو اخص متوجه جوانان است. جوانان بهائی از دختران و پسران باید در تعالیم الهی تعمق دقیق فرمایند. و مسائل را عمیقانه تحصیل کنند تا بتوانند به نشر امر الهی موفق شوند و مردم را افناع کنند که مشکلات آنان حل شدنی است و راه حل در دست آنان است.

مجموعه جوانان ص ۹۱

اگر جوانان کوتاهی کنند، امر به رکود می رود.

"اگر نسل جوانتر بهائی که امید بزرگ حضرت ولی امرالله هستند، امر را کاملاً و عمیقاً مطالعه کرده، تاریخ آن را خوانده، اصول زیربنائی آن را یافته و کاملاً مطلع و پرشور شوند، آنان قطعاً به پیروزیهای زیادی نائل خواهند شد. حضرت عبدالبهاء وظیفه تبلیغ را بر

دوش ایشان نهاده اند. ایشانند که ندای ملکوت را بلند می کنند تا مردم از خواب غفلت بیدار شوند. اگر ایشان کوتاهی کنند، امر به رکود می رود

انوار هدایت ش ۲۱۲۹

۹- پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۹ بهمن ۱۳۹۲ خطاب به جوانان مهد امرالله

شما جوانان غیور مهد امر الله به خوبی واقفید که رسالت مقدّس شما آنست که در حلقه اطرافیان چون مشعلی فروزان نور امید بیفشانید، در بین مردمان، پیک مهر و محبت و دوستی و الفت گردید، در جمع هم وطنان، نماد صبر و تحمل و عفو و بخشش و اطمینان خاطر شوید، و از همه مهم تر، پیش گامانی فعال در آن فرایندی باشید که قابلیت و ظرفیت خدمت را افزایش می دهد، اتحاد و اتفاق را استحکام می بخشد و به کسب بینش و مهارت های لازم برای کوشش در جهت استقرار مدنیته جهانی و بهبود شرایط مادی و معنوی جوامع بشری کمک می نماید. با استفاده مؤثر از این فرایند قدرت مند برای تقلیب روحانی و اجتماعی، جامعه بهائی آموخته است که اشتیاق به خدمت و به تفحص در تعالیم الهی برای یافتن راه حل مشکلات نوع بشر را افزایش دهد. این تجربه و این دست آورد پیامدهای مفید و مقتضیات پردامنه ای برای زندگی فردی و حیات جمعی عالم انسانی دارد.

۱۰- قسمتی از پیام رضوان ۱۹۸۲

از جوانان بهائی یعنی وراث مؤمنین دلیر صدر امر که حال بر میراث گذشتگان اتکاء دارند دعوت می کنیم تا در این ایام که توجه و علاقه به امر الهی عمومیت یافته، مساعی خود را مضاعف سازند و همسالان خود را با پیام الهی به شور و وله آرند و بدین ترتیب برای روزی آماده شوند که خود، مؤمنینی کار آزموده و مجرب و قادر به تعهد هر نوع امر مهمی باشند که به آنها واگذار گردد. به این جوانان، بیان مبارکی از آثار قلم اعلی را هدیه می کنیم که می فرماید:

"طوبی از برای نفسی که در اول جوانی و ریعان شباب بر خدمت امر مالک مبداء و مآب قیام نماید و بر حُبش مُزین شود."

حکایت کنند که اسکندر رومی به قصد فتح اقلیمی در طریقی، پس از گذشتن از حملات، به شهر ظلمات رسید، شهری که می بایست در تاریکی و ظلمت گذر کند و مسیر خویش را از آن سویش در بر و بحر ادامه دهد. در عبور از این شهر بی نور، به ساعتی خرده شنهائی به زیر پای سربازان و همراهان به صدا در آمد و بر عموم ابهام حاصل آمد که این ریزه اشیاء در زیر پا چه خواهد بود. وجودش به چه کار آید. هر کس به تصور، حرفی برآورد و به فکر خویش تعریفی بر آن بکرد. عارفی از آن میان انذار نمود و اخطار بفرمود که به هوش باشید، هر که از این خُرده شنها بردارد، پشیمان شود و هر که بر ندارد، نادم و پریشان، این اندرز بر همراهم بسی عجیب و غریب آمد، به جائی که نه جرأت بر برداشتن نمودند و نه قدرت احتراز از برداشتن. پس برخی به رعایت احتیاط و بیم عقوبات، در اخذ آن متوقف، و بعضی دیگر به قیادت شهامت و کنجکاوی، به جزئی از آن کفایت نمودند. وقتی که شهر ظلمت به سر آمد و اسکندر و عسکر را چشم به نور آفتاب روشن آمد، معلوم گشت که آن شنها، سنگهای پرقیمت و بها و الماس دانه ها بوده. آنان که هیچ برنداشتند به غایت نادم و پشیمان و به از دست دادن فرصت پرقیمت پریشان و نالان، و آنان که بر داشتند متأسف و پرحرمان از برداشتن زیاده بر آن...

فرصتهائی که در در ایام حیات ظلمانی، بالاخص در سنین جوانی، به ما داده شده البته در عالم نورانی بعدی دیگر به دست نمی آید، لذا در طی این مسیر تاریک و گذرا باید تا سر حد امکان از جواهر موجود که خداوند در وجود به ودیعه گذاشته بهره برداشت، که اگر این شهر ظلمانی طی شود و قیمت و بهای خدمت به عالم انسانی در صبح نورانی آشکار گردد، بازگشت به از دست رفته ها و برداشتن یا بیشتر برداشتن سنگهای پربها، دیگر میسر نگردد.